

بسمه تعالی:



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان: سیاست های بین المللی انرژی آمریکا و تاثیرات آن بر امنیت ملی ایران بعد از
فروپاشی شوروی

استاد راهنم: جناب آقای دکتر غلامعلی چگینی زاده

استاد مشاور: جناب آقای دکتر اصغر جعفری والدانی

استاد داور: جناب آقای دکتر سید جلال دهقانی فیروز آبادی

دانشجو

صمدرشیدزاده

شهریور ۹۰

فصل اول کلیات:

- ۴-۱ بیان مسئله
- ۵-۴ اهداف تحقیق
- ۶-۵ سوالات
- ۶ فرضیه
- ۷-۶ تعاریف مفاهیم و متغیرها
- ۸-۷ سوابق تحقیق
- ۱۴-۸ روش تحقیق

فصل دوم: چهاچوب تئوریک

- ۱۵ مقدمه
- ۱۶- رنالیسم تهاجمی
- ۱۹-۱۶ مفهوم قدرت از دیدگاه میرشامیر
- ۲۲-۱۹ چرا قدرت های بزرگ در پی کسب قدرتند
- ۲۷-۲۲ کشورها چه اندازه قدرت می خواهند
- ۲۹-۲۸ وجه افتراق و اشتراک بین تهاجمی ها و تدافعی ها
- ۳۰-۲۹ قدرت چیست؟ و چگونه اندازه گیری می شود
- ۳۰ تجاوز محاسبه شده
- ۳۱ محدودیت های هژمونی
- ۳۲-۳۱ تعقیب قدرت
- ۳۵-۳۲ کشورها چگونه به هژمونی دست می یابند
- ۳۶-۳۵ چالش های نظری بین رنالیست ها
- ۳۹-۳۶ منطق میرشایمر

فصل سوم: سیاست بین المللی انرژی امریکا با فاکتورهای صرف اقتصادی

- ۴۲-۴۰ مقدمه
- ۴۳-۴۲ تحریم ها
- ۴۵-۴۳ نظریات در رابطه تحریم ها
- ۴۶-۴۵ معیار ارزیابی تحریم ها
- ۴۷-۴۶ موسسه انرژی هسته ای امریکا و رنسانس هسته ای
- ۵۳-۴۷ استراتژی های امریکا و اوپک
- ۵۴-۵۳ پیوندهای استراتژیک با کشورهای صنعتی
- ۵۷-۵۵ چالش های سوختی و طرح بیست در ده

۶۱-۵۷	دکترین نظم نوین جهانی و انرژی
۶۶-۶۱	نقش امریکا و نوسانات قیمت نفت پس از ۲۰۰۱
۶۷-۶۶	ظرفیت تولید امریکا و نوسانات قیمت
۷۴-۶۷	استراتژی پول و نفت
۷۸-۷۴	سرمایه گذاری در عراق و تولید تا ۱۰ میلیون بشکه
۸۰-۷۸	به راه انداختن اطلاعات غلط در بازار
۸۳-۸۰	بالا بردن خطرات بلایی نفت برای تولید کنندگان
۸۶-۸۳	تبلیغ روی نفت به عنوان دارایی آثار بد محیطی
		فصل چهارم: سیاست های بین المللی انرژی با فاکتورهای صرف سیاسی
92-87	حمایت از شرکت های آمریکایی در سراسر جهان
94-92	سیاست بین المللی انرژی و خلیج فارس (نفت آزاد)
97-94	طرح خاورمیانه بزرگتر؛ انرژی امنیت و امنیت انرژی
98 -97	نفت به عنوان ابزار قدرت بعد از جنگ سرد
100-98	نفت و امنیت در تجدید ساختار استراتژیک
103-100	سیاست انرژی امریکا در خزر
103	انکار اهمیت ایران در رابطه با انتقال خطوط لوله
106-103	میادین مشترک
109-106	استراتژی های انرژی امریکا
111-110	حملات نظامی به کشورهای دارنده نفت
112-111	مقاومت در مقابل شکل گیری اوپک گازی
		فصل پنجم: سیاست های بین المللی انرژی امریکا و تاثیر آن بر امنیت اقتصادی ایران
114-11	مقدمه
125-115	افزایش بهایی نفت و تاثیر آن بر اقتصاد کلان ایران
133-125	کاهش قیمت نفت و تاثیر آن بر امنیت اقتصادی ایران
135-133	افزایش نرخ ارز و تاثیرات آن بر اقتصاد ایران

140-135.....	شوگک های نفتی و تاثیر آن بر اقتصاد ایران.....
143-140.....	به وجود آمدن اقتصاد خاکستری در اقتصاد ایران.....
145-143.....	تبعیض صادراتی.....
146-145.....	شوگک نفتی و تاثیر آن بر رشد کشور.....
151-146.....	تاثیر تحریم ها بر اقتصاد ایران.....
155-151.....	درآمدهای نفتی و رشد.....
157-155.....	درآمدهای نفتی و اشتغال.....
164-157.....	پیامدهای عدم سرمایه گذاری در میدان ایران.....

فصل پنجم: سیاست های بین المللی انرژی امریکا و تاثیرات آن بر امنیت ایران

166-165.....	مقدمه.....
170-166.....	ایران هراسی.....
174-170.....	منزوی ساختن و مهار ایران.....
178-174.....	اقتصاد سیاسی و امنیت.....
184-178.....	امنیت ایران و امنیت آسیای مرکزی.....
188-184.....	مهار اسلام گرایی در منطقه.....
196-188.....	حضور ناتو امنیت ایران در منطقه.....
202-196.....	ناامنی ایران در ابعاد منطقه ای و جهانی.....

فصل هفتم: سیاست های بین المللی انرژی امریکا و تاثیرات غیر مستقیم آن بر امنیت ایران

204-202.....	مقدمه.....
207-204.....	سیاست های امریکا در اوپک و رفتن و یاماندن ایران.....
213-207.....	رقابت فشرده بر ترانزیت نفت.....
216-207.....	آثار فرهنگی به تبع سیاست های امریکا.....

220-216	تأثیر سیاست امریکا بر صادرات و فروش نفت.....
223-220	تحریم ها و اکتشافات.....
226-223	استخراج سریع همسایگان از میدین مشترک و آثار آن.....
228-226	تأثیر تحریم ها بر تولیدات پتروشیمی ایران.....
229-228	تأثیرات سیاست های امریکا بر سیاست کلان داخلی ایران در رابطه با انرژی.....
234-229	اجماع جهانی برای تحریم ایران.....
238-229	شکل گیری تقابل ایدئولوژیک در منطقه.....
241-238	فرار مغزها از ایران.....
245-241	خلاصه فصول، نتیجه گیری و پیشنهادات.....
256-249	منابع.....

سپاسگزاری

«من لم يشكر المخلوق، لم يشكر الخالق»

به نام خدای نور و ایمان و عشق، خدایی که در این نزدیکی است، لای شب بوها، پای آن کاج بلند. نخست حضرت حق را سپاس می گویم که توفیق علم آموزی و تحقیق در این عرصه را به بنده ارزانی داشت خدایی که وجودم را در سایه سار حضور سبزش یافتم و در درگاهش سر تسلیم فرود آوردم. از پدر و مادر بزرگوارم و از برادران و خواهران مهربان و ارجمندم نهایت تشکر و قدردانی دارم که بی تردید حضور گرم آنان عاملی مؤثر در اتمام این پایان نامه بوده است. اما سهم اساسی و عمده در تحقق این پژوهش متعلق به اساتید ارجمندم می باشد. در این میان از استاد فرزانه جناب آقای دکتر چگینی زاده که بر بنده منت نهاده و با وجود مشغله کاری زیاد راهنمایی این پایان نامه را تقبل فرمودند و همواره در تمام مراحل کار از انتخاب موضوع پایان نامه تا اتمام کار با راهنماییها و بازبینی های استادانه خود چراغ راه بنده بودند نهایت تشکر و قدردانی دارم. و همچنین از جناب آقای دکتر والدانی و جناب آقای یوسفی که به عنوان مشاور بنده در این کار همواره با رویی گشاده به پرسشهای اینجانب پاسخ دادند و نکات ارزشمندی را یادآور شدند سپاسگزاری می کنم. سرانجام از حضور گرانبهای تمام اساتیدی که از محضرشان علم آموختم، بویژه آقای دکتر دهقانی فیروز آبادی، تشکر می نمایم که زحمت داوری این پایان نامه را قبول فرمودند. و در پایان از آقای جواد رشیدزاده، و آقایان رضا محمدی، جواد سیفی زاده، بهزاد حیدری، سعید عبادی، حسن قزوینان، حسین شررخواه، سعید و حامد عزیز که همواره با دلسوزی و سعه صدر خودشان مرا مدیون لطف خود قرار دادند، سپاسگزارم.

تقدیم این اثر ناچیز را به پدر و مادر عزیزم، اسطوره های صبر و مهربانی، تقدیم می کنم و با دلی مملو از عشق و محبت و خضوع، بر دستان خسته شان بوسه می زنم

چکیده:

انقلاب ۱۹۷۹ ایران به روابط سمبلیک آمریکا و شاه پایان داد. که این روابط به پایداری منافع اقتصادی آمریکا در خلیج فارس کمک می کرد و از طرف دیگر در سایه این روابط شاه امکان ادامه و حفظ حکومت را داشت. پایان این روابط سود محور باعث شد که آمریکا تحریم های مختلفی را علیه ایران اعمال کند و توأم با هزاران دخالت دیگر در امور ایران مانند تحریک عراق به تحمیل جنگ علیه ایران و هزاران سیاست دیگر برای عقیم گذاشتن انقلاب. از دلایل این نوع سیاست ها از طرف آمریکا یکی بی میلی ایران در قبول هژمونی آمریکا در منطقه و یکی دیگر از دلایل نفوذ و نقشی که اسرائیل در شکل گیری سیاست های خارجی آمریکا در رابطه با ایران داراست. بایست بنده اشاره کنم که هدف من در این پایان نامه توضیح دلیل بحران بین ایران و آمریکا نیست بلکه هدف اصلی بنده شامل تحلیل و توضیح سیاست های بین المللی انرژی آمریکا با توجه به تاثیر که این بر صورت های مختلف امنیت ملی ایران داراست. نگارنده بیان دارد که مجموعه از شواهد تکنولوژیکی و سرمایه گذاری خارجی و بازار اشاره به این دارد که تحریم اثرات مخربی بر صنعت نفت و گاز ایران داشته با توجه به این موضوع که نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران پاشنه آشیل ایران محسوب می شود. ایران بزرگترین مصرف کننده انرژی در خاورمیانه است و یکی از کوچکترین مصرف کننده ها در جهان. صادرات نفت فراهم کننده بیش از ۸۰ درصد از معاضات خارجی و ۷۰ درصد سرمایه گذاری های عمومی و تقریباً ۵۰ درصد از بودجه ایران است. بر اساس گفته وزیر پیشین نفت روزانه چیزی حدود ۳۰۰ هزار بشکه ریزش نفت خام به خاطر قصور در سیاست های ناکافی کاوشی و ابزار و روش های و سرمایه گذاری های خارجی حادث می شود. برای انجام این پایان نامه بنده چهارچوب تئوری تهاجمی واقع گرایی برای فهم سیاست خارجی آمریکا به کار گرفته ام، در این رابطه ما کل پایان نامه را به هفت فصل تقسیم نموده. دو فصل آغازین شامل متغیر های مستقل و مابقی شامل متغیر های وابسته می باشد. متغیر مستقل اول شامل سیاست های بین المللی انرژی آمریکا با فاکتور اقتصادی و متغیر مستقل دیگری شامل سیاست های بین المللی آمریکا با فاکتورهای سیاسی می باشد، منظور از فاکتورهای اشاره به روش های کاربرد این سیاست ها می باشد. در رابطه با متغیر های وابسته تمرکز ما یافتن تاثیرات متغیرها مستقل بر روی این متغیرها می باشد که این هدف سه فصل بعدی ما را به خود مشغول نموده است. که این ها شامل تاثیر سیاست های بین المللی آمریکا بر روی امنیت اقتصادی ایران ۲- سیاست های بین المللی انرژی آمریکا و تاثیر آن بر امنیت سیاسی ایران ۳- سیاست های بین المللی انرژی آمریکا و تاثیر بلند مدت آن بر امنیت ایران. دوره ای که این پایان نامه پوشش داده از دوره فروپاشی شوروی تا به حال می باشد، این دوره مصادف با فروپاشی شوروی می باشد که این شرایط ایران را از گزینه سود جویی از توازن سازی بین دو ابر قدرت محروم ساخت و به موجب آن فرصت بهتری برای آمریکا برای افزایش دشمنی بر علیه ایران فراهم آورد. در پایان نتیجه گیری و پیشنهاد چندین روش مفید برای فرار از اثرات مخرب این سیاست ها بر بخش های مختلف امنیتی ایران است.

کلید واژه ها - سیاست های بین المللی انرژی آمریکا - امنیت جمهوری اسلامی ایران - نفت - گاز - اقتصاد سیاسی

Abstract

The 1979 revolution in Iran ended a symbiotic relation between the U.S. and Shah the latter helped to sustain the economic interest of the U.S. in Persian Gulf region and former helped to preserve the rule of the Shah. since the ended of this beneficial relation the U.S government has imposed numerous sanction against Iran and with different interfere in Iran affaires like provoked the Iraq for impose war against Iran and with thousand other policy for curb Iran. there are many reason for the U.S. that implement like mentioned above policy. one of this reason because of unwilling Iran to legitimate American hegemony over the region and the other can to be the influence and role of

Israel in formulation U.S. foreign policy toward Iran .I should noted my aim in this thesis is not to explain the cause of crisis between tow country .the main aim in this thesis include analyse and describe U.S. international foreign energy policy with regarded impact against Iran different face of nation security. The author adduces a series of technological ,investment ,and marketing evidence .sanction have a devastating effect on Iran s oil and gas industry in sense oil and gas are the Islamic republic s Achilles heel .Iran is biggest consumer of the energy in middle east and one of least user of energy in the world .oil and exports provide more than 80 percent of foreign exchange ,70 percent of the public investment and approximately 50 percent of the budget .according to the former minister of oil the productive capacity in mature oil fields is falling by 300 thousand per day annually as a result of faulty or inadequate recovery policies ,tools ,and methods ,foreign investment. For accomplishment this end I apply offensive realist theory for view of U.S. foreign policy and divided thesis in seven chapter.tow beginning chapter include in depends variables and the other include depending variable . one of in depending variable include the international energy policy of U.S. whit economic factor and other variable include the international energy policy of U.S with political factor .the means of factor mentions the way of implement policy and in the depended variables me concern find impact of in depended variable against depended variable that this end concern my third chapter include the 1- impact of U.S. international energy policy toward nation Iran economic security 2- impact of U.S. international energy policy toward Iran politic security 3- impact of U.S. international energy policy and long-ran effect on Iran security .this period of thesis include the since “demise soviet Unions in 1991 until now” .this time coincide with depriving Tehran of the option of :balancing :between the cold War superpowers ,thereby provide best opportunity for the U.S.to becoming increasingly hostile toward the Islamic republic . in ended conclusion and suggesting some useful method for ran away and escape of devastating effect this policy of U.S. on several respect of national security of Iran .

Key word :international energy policy of U.S.-security of Iran –oil-gas-politic economy.

فصل اول:

بیان مسئله

امروزه با توجه به تحولات محیطی و گفتمانی عصر حاضر، تهدیدات غیرنظامی در مقایسه با تهدیدات نظامی از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار گشته است. در این میان رویکرد اقتصادی از اهمیت ویژه ای برخوردار گشته که حکایت از اقتصادی شدن زندگی سیاسی - اجتماعی انسان معاصر است. رویکرد اقتصادی در مقایسه با رویکرد زیست محیطی دارای پیشینه تاریخی بوده است؛ چرا که اقتصاد اگرچه قبلاً به عنوان بعدی از مفهوم توسعه یافته امنیت مد نظر بوده ^۱ اما امروزه با توجه به اهمیتش تبدیل به منظری شده که بازتعریف امنیت را به دنبال داشته است. این مفهوم بعد از ۱۹۹۰ در تفکر اندیشمندانی مانند تری تریف، استوارت کرافت، لوسی جیمز و پاتریک مورگان، تحت عنوان تسلط بلامنازع اقتصاد بر سایر ابعاد سستی امنیت تئوریزه شده است. آن ها تصویر تازه ای از حضور اقتصاد در معادلات امنیتی ارائه نموده اند ^۲. ارتباط بین متغیرهای اقتصاد ملی و امنیت ملی ارتباطی تازه نیست ^۳. آنچه در این میان درخور بررسی و تأمل می نماید، پرسش از ارتباط بین این دو مقوله در سطح سیستم بین المللی می باشد که پاسخ به آن متضمن داشتن منظر اقتصادی و سیاسی به امنیت ملی است. بر این اساس، این محور های سه گانه باید مورد توجه قرار گیرند: نخست، ظرفیت اقتصادی (انرژی) به طور مستقیم و غیر مستقیم بر قدرت ملی

^۱ - زمانی باری بوزان امنیت ملی را به دلیل حجم کم مطالعات انجام شده، مفهومی «توسعه نیافته» خوانده بود. این شاخص با عنایت به حجم فزاینده مطالعات تخصصی دیگر موضوعیت ندارد

^۲ - terry terrif, stuart croft ,lucy games ,Patrick margan, " economics & security .In the security studies today.polity press.1999,pp136-137

^۳ - See example .edward in Richard smpke (ed).from geo politics togeoeconomics .national interest .20summer 1990,pp 17-23 .robertD.Hormats.the roots of American power".foreign affairs.70(3).summer 1992,pp74-90

تأثیرگذار است که آن هم به نوبه خود مهمترین عامل در تعریف ضریب امنیت ملی به شمار می رود. دوم مدیریت هوشمندانه اقتصادی (انرژی) یکی از روش هایی است که تقویت آن به طور مستقیم به تقویت دولت ملی و افزایش ضریب امنیتی منتهی می شود. سوم اینکه اقتصاد (انرژی) ابزاری بسیار خوب و کارآمد به شمار می آید که دولت می تواند از آن برای دستیابی به اهداف امنیتی یاری گیرد. چنانچه فریدبرگ اشاره دارد: "از زمان امپراتوری آتن در برابر اسپارت تا به امروز ارتباط وثیقی بین ثروت و قدرت نظامی وجود داشته است. بنابراین می توان ادعا کرد که رابطه ای مستقیم و مستحکم بین اقتصاد و امنیت ملی وجود دارد." ⁴ "در نقطه مقابل، پیامدهای منفی ضعف سیاست های اقتصادی (انرژی) به طور کلی می تواند:

۱ - ضعف مدیریت ملی در جریان رقابت های بین الملل

۲ - تهدید قلمرو نفوذ قدرت ملی در سیستم بین الملل و

۳ - افزایش میزان آسیب پذیری دولت ملی نسبت به تهدیدات موجود در عرصه بین الملل را به همراه داشته باشد.

اهمیت این تحقیق با توجه به این مقدمه، همپوشانی با این استدلال گیاکومولیانی دارد که "هر رخداد اقتصادی دارای لوازم و مقتضیات امنیتی خاص خود است". نگارنده در راستای این موضوع، امنیت ایران را به عنوان متغیر وابسته و سیاست های انرژی آمریکا را به عنوان متغیر مستقل فرض نموده و اشاره به این مهم دارد که سیاستگذاری های مربوط به انرژی، گویای یک رابطه دوجبهی است؛ یعنی سیاست های غلط با توجه به مقابله با تهدید امنیتی نشأت گرفته از سیاست های مربوط به انرژی آمریکا نه تنها ضریب امنیتی داخل کشور را چه در سطح کلان و چه در سطح خرد اقتصادی و سیاسی به چالش می کشد بلکه می تواند خود عامل تهدید امنیت کشورهای دیگر صادرکننده و واردکننده نفت بشود و حساسیت کشورهای متضرر به ایران را برانگیزاند که نتیجه آن، بازخوردهای منفی امنیتی برای ایران است.. فرآیند تدوین سیاست ملی انرژی و سپس استراتژی امنیت ملی آمریکا حداقل از دو جنبه، پیوندی ناگسستنی با ضروریات و الزامات طراحی و تدوین سیاست ملی انرژی جمهوری اسلامی ایران دارد. جنبه اول اینکه، آمریکا بزرگترین و تأثیرگذارترین بازیگر عرصه جهانی انرژی به ویژه در حوزه نفت است. این کشور ضمن اینکه بزرگترین مصرف کننده نفت جهان محسوب می شود، از طریق بکارگیری اهرم های قدرت خود، نقش اساسی در هدایت و ساماندهی نظام جهانی نفت به گونه ای که تأمین کننده منافع ملی اش باشد، ایفا می کند. از جنبه دوم، عرصه اصلی بکارگیری اهرم های قدرت و سیاست ملی انرژی آمریکا به ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، منطقه خلیج فارس بوده است. به عبارت دیگر، منطقه خلیج فارس اولین محیط بین المللی است که جمهوری اسلامی ایران در حوزه انرژی با آن برخورد می کند و در این منطقه با مهم ترین سیاست های انرژی که مواجه می شود، سیاست ملی انرژی آمریکا است که در قالب استراتژی امنیت ملی این کشور، بر منطقه تحمیل می شود. این شرایط، تدوین استراتژی امنیت ملی ایالات متحده بر پایه سیاست انرژی و تلاش برای دستیابی یا حفظ این برتری با توجه به تأثیرپذیری فراوان اقتصاد کشورهای فراصنعتی و صنعتی از مساله تامین انرژی، نتیجه ای جز افزایش اهمیت انرژی و به ویژه نفت به عنوان مهمترین حامل انرژی و در نتیجه توجه به کشورهای نفت خیز، نمی توانست داشته باشد. برخی از اقدامات نیز که صرفاً ایران را مورد هدف قرار داده همانند طرح مهاردوجانبه، قانون داماتو و تحریمهایی که در همین راستا صورت گرفته است و اقداماتی که در مجامع بین المللی آمریکا علیه ایران انجام داده از جمله اقدامات آمریکا به منظور جلوگیری از دستیابی به انرژی هسته ای و غیره را میتوان نام برد.

ایالات متحده درصدد است از نفوذ خود بر بازارهای جهانی نفت برای تأمین امنیت انرژی خویش به نحو مؤثری استفاده کند که بر این اساس از سیاست "اعمال فشار بر اوپک برای افزایش تولید". "تحریم صنعت نفت ایران" افزایش قابل ملاحظه تولید عراق" ترغیب عربستان به افزایش تولید خارج از چهارچوب اوپک" بهره برده است. طبق پیش بینی دیگری، تا سال ۲۰۲۰ مصرف نفت در جهان ۵۰ درصد و در ایالات متحده ۳۳ درصد بیش از میزان فعلی خواهد بود. در عین حال می توان بر اساس برآوردهای متفاوت، فرض را بر این قرار داد که ذخایر

⁴ - Aaron L. friedverge. the changaing relationship between economics and national security "in Henry bienen (ed), power. economics and security. (Boulder co :wesview press .1992 .p/134 Italics in orginal)

جهانی نفت بین ۴۰ تا ۶۰ سال آینده به پایان خواهند رسید و کنترل باقی مانده ذخایر نفت برای واشینگتن به ویژه از این رو اهمیت دارد که به دلیل پایان یافتن ذخایر داخلی در سال ۲۰۲۰، تقریباً ۷۰ درصد مصرف کشور باید از واردات تأمین شود.

در این راستا ما در یک دسته بندی کلی از سیاست انرژی آمریکا آن را به دو دسته کلی تقسیم کردیم که شامل: ۱- سیاست های انرژی آمریکا با فاکتورهای صرف اقتصادی و ۲- سیاست های انرژی آمریکا با فاکتورهای صرف سیاسی است. در رابطه با این بحث شناسایی خطرات امنیتی نشأت گرفته از سیاست های انرژی آمریکا در کنار ارائه راه کار از مهمترین دغدغه های نگارنده است. ما از فاکتورهای کمی برای ارزیابی تأثیرات آن بر امنیت اقتصادی ایران شامل مدل های اقتصادی و از فاکتورهای کیفی برای ارزیابی عوامل سیاسی موجود استفاده کرده ایم. هر کدام از این فاکتورها در یک فصل جداگانه و ادغام این دو روش در یک فصل دیگر در جهت ارزیابی اثرات این عوامل بر امنیت ایران با توجه به سیاست های انرژی آمریکا لحاظ شده است که این روش با توجه به قابلیت بالا در پایایی و روایی فرضیه در تحقیقات علمی جدید بیشترین مراجعین را داشته است؛ چرا که داده ها نشان می دهد بر خلاف ادعای اقتصاددانان کلاسیک و نئو کلاسیک، به عنوان مثال قیمت نفت "بر اساس مدل عرضه و تقاضا تعیین نمی شود" بلکه عوامل سیاسی بیشترین تأثیرات را داشته اند که به نوعی دست های نامرئی بازار (منحنی عرضه و تقاضا) را تحت الشعاع خود قرار داده است. توجه ما به تقسیم دوباره سیاست های انرژی آمریکا به سیاست های اعمالی و اعلانی و سعی در ارزیابی تأثیرات آن بر امنیت در دو سطح کمی و کیفی مبذول گشته است. پس از شناسایی عوامل مؤثر در امنیت، نگارنده در گریز از صرف بیان تاریخی این موارد به سمت یافتن رابطه های علی و همبستگی بین این عوامل حرکت نموده است. به دلیل اینکه کارهای انجام شده در این حوزه بیشتر عوامل مستقیم را بیان نموده اند، سعی ما به شناسایی عوامل غیر مستقیمی که ملموس نیستند و در کوتاه مدت خود را نشان نمی دهند بلکه در درازمدت بنیه امنیتی کشور چه امنیت اقتصادی و چه امنیت سیاسی را به چالش می کشند معطوف شده است و این امر در سایه روش های کمی و کیفی است که اجازه شناسایی این متغیرها و راهکارهای متناسب با آن ها را برای یک سیاستگذاری هوشمندانه به ما ارائه نموده است. جدال ایران و آمریکا دارای رنگ و بوی گفتمانی است چنانچه در کتاب (Imported Oil and U.S. National Security) نیز آمده است. این کتاب تلاشی از سوی چندین مؤسسه علمی برای ارائه راهکار به وزارت انرژی آمریکاست. نگارنده سعی در این دارد که نمونه کار فوق که در سال ۲۰۱۰ انجام شده در مورد ایران انجام بدهد؛ یعنی به ارائه راهکارهای سیاسی و اقتصادی مربوط به امنیت ایران با توجه به متغیر سیاستها انرژی آمریکا پردازم. وابستگی شدید ایران به صادرات نفت از نظر اقتصادی و همبستگی مستحکم و شدید انرژی و امنیت ایران توأم با تأثیرت سیاست های انرژی آمریکا بر آن، با توجه به اینکه کتاب فوق آخرین پیشنهادات را به وزارت انرژی ارائه نموده است همگی می توانند در ارائه پیشنهادات آتی با توجه به چشم انداز سیاست های انرژی آمریکا که در این کتاب ترسیم شده مورد استفاده واقع گردد.

۲-اهداف تحقیق:(شامل اهداف علمی، کاربردی و ضرورتهای خاص انجام تحقیق):

آمریکا بزرگترین کشور تولید کننده، مصرف کننده و وارد کننده انرژی در جهان می باشد. علیرغم اینکه کشور آمریکا از جمله تولید کنندگان بزرگ نفت خام و فراورده های نفتی است ولی با توجه به حجم مصرف و بزرگی اقتصاد، تولید داخل پاسخگوی مصرف این کشور نیست بنابراین اهمیت انرژی در سیاستگذاری آمریکا بسیار بالا است. در همین راستا سیاستهای انرژی آمریکا بر سایر کشورهای نظام بینالملل تاثیرگذار میباشد. بنابراین ما با تقسیم سیاست های انرژی آمریکا به سیاست های اعمالی و اعلانی و سعی در ارزیابی تأثیرات آن بر امنیت در دو سطح کمی و کیفی مبذول گشته است. پس از شناسایی عوامل مؤثر در امنیت، نگارنده در گریز از صرف بیان تاریخی این موارد به سمت یافتن رابطه های علی و همبستگی بین این عوامل حرکت نموده است. به دلیل اینکه کارهای انجام شده در این حوزه بیشتر عوامل مستقیم را بیان نموده اند، سعی ما به شناسایی عوامل غیر مستقیمی که ملموس نیستند و در کوتاه مدت خود را نشان نمی دهند بلکه در

درازد مدت بنیه امنیتی کشور چه امنیت اقتصادی و چه امنیت سیاسی را به چالش می کشند معطوف شده است و این امر در سایه روش های کمی و کیفی است که اجازه شناسایی این متغیرها و راهکارهای متناسب با آن ها را برای یک سیاستگذاری هوشمندانه به ما ارائه نموده است.

۳-سوالات:

۱-۳- سؤال اصلی

سیاست های بین المللی انرژی آمریکا چه تاثیرات بر امنیت ملی ایران در بعد از فروپاشی شوروی داشته است ؟

۴-فرضیه

۱-۴- فرضیه اصلی

سیاست های بین المللی انرژی آمریکا تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم منفی بر امنیت اقتصادی ایران(صادرات و صنعت و سرمایه گذاری ها خارجی و...) که یکی از ابعاد امنیت ملی است در بعد از ۱۹۹۱ داشته است.

۵-تعریف مفاهیم و متغیرها:

-سیاست انرژی

سیاست انرژی؛ دربرگیرنده یک سری سیاستهای تعیین شده در دوره‌ی زمانی مشخص با توجه به بینش نخبگان حاکم، شرایط اقتصادی و سیاسی کشور و اوضاع بینالمللی میباشد که در چارچوب آن نوع انرژی تولیدی یا مصرفی در یک کشور، منابع تأمین آن، میزان تولید و مصرف، سطح قیمت و نحوه خرید و فروش آن در دوره مورد نظر را تعیین میکند.

- امنیت

امنیت از نظر مفهومی به وضعیتی اطلاق می شود که نیروهای حافظ وضع موجود، توان محافظت از وضع موجود را در برابر نیروهای برهم زننده آن داشته باشند. امنیت به سطوح مختلفی تقسیم می شود، از جمله امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و امنیت جهانی، همچنین در تحلیل این مفهوم حوزه‌های مختلف نیز از هم متمایز می شوند. برای مثال در امنیت ملی، امنیت اقتصادی، امنیت قضایی، امنیت فرهنگی و... قابل تحلیل هستند. امنیت را بر پایه‌های مفهومی مختلفی مورد شناسایی قرار می دهند، از جمله این مفاهیم پایه، نظم است، یعنی امکان بر هم خوردن نظم نا امنی به همراه خواهد داشت. این تفسیر از امنیت که بر مبنای نظم قرار دارد در این پژوهش مدنظر قرار گرفته چرا که ساختار هژمونی در سطح نظام بینالملل نظمی را میطلبد که برهم خوردن آن از سوی هر کدام از بازیگران از نظر هژمون و کشورهای حامی آن به مخاطره افتادن امنیت محسوب میگردد. (۱)

امنیت ملی

حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی، یا خاک خود به سر میبرد. (۲)

امنیت بینالمللی

- غلامرضا بابایی، فرهنگ سیاسی آرش، تهران: انتشارات آشیان، 1382، ص 104

- همان، ص 105

حالتی است که در آن قدرتها در حالت تعادل و بدون دستیازی به قلمرو یکدیگر به سر می برند تا وضع موجود در خطر نیفتد. هرگاه یکی از قدرتها از محدوده و قلمرو خود پافراتر گذارد، از نگاه قدرت «یا قدرتهای» مخالف، امنیت بینالمللی در خطر افتاده است.^[۱]

-امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی یکی از پنج بعدی بود که بری بوزان در سال ۱۹۸۳ شناسایی کرد. بنابر تعریف ایشان امنیت اقتصادی عبارت است از دسترسی به منابع، سرمایه، و پول بازارهای ضروری برای حفظ سطوح و درجاتی از رفاه و قدرت دولت^[۲]-امنیت انرژی

به طور سنتی و تاریخی متخصصان و سیاستمداران، امنیت عرضی انرژی را همان امنیت انرژی می دانند و آن را به امنیت انرژی کشورهای مصرف کننده عمدتاً توسعه یافته محدود می کنند. این در حالی است که به قول دانیل یرگین، مفهوم امنیت انرژی برای کشورهای مختلف متفاوت است. مفهوم امنیت انرژی از نظر کشورهای مصرف کننده به این معناست که، اولاً دسترسی آسان و بدون احتمال خطر به منابع نفت و گاز ارزان جهانی وجود داشته باشد. ثانیاً این منابع به صورت منطقی دارای تنوع و گوناگونی از لحاظ منطقه جغرافیایی منابع و همچنین مسیرهای انتقال باشند و ثالثاً جریان نفت و گاز عموماً از نقاطی تامین شوند که احتمال ثبات و عدم تغییر در حکومتهای آنان درازمدت و طولانی باشد؛ خارج کردن کنترل بازار از دست کارتلهای تولیدکنندگان مانند اوپک؛ کنترل جریان اطلاعات انرژی و خطدهی به بازار از طریق پیشبینیها. این پیشبینیهای بلندمدت در واقع کشورهای تولیدکننده را وادار به تولید ظرفیتهای مازاد میگرد چون همین ظرفیت های مازاد، امنیت را برای بازار نفت به ارمغان میآورد. و اما امنیت انرژی برای تولیدکنندگان در آن است که به یک بازار مداوم و همراه رشد منطقی و از سوی دیگر از امنیت تقاضا برای درآمدهای نفتی در آینده برخوردار باشند^[۳]

-تحریم های اقتصادی

ابزاری جهت نیل به اهداف و مقاصد سیاسی است. پیشینه کاربرد این ابزار براساس برخی مستندات به قبل از میلاد مسیح باز می گردد. تحریم های اقتصادی تا پیش از پایان جنگ بین الملل اول، مکملی برای اقدامات نظامی بود، ولی پس از آن، کشورهای عضو جامعه ملل، تحت تأثیر نتایج حاصل از تحریم های برقرار شده علیه کشورهای محور، توسل به سلاح اقتصادی را به عنوان ابزاری غیرنظامی در متن میثاق جامعه ملل گنجانند.

-منافع ملی

امنیت ملی بخشی تفکیک ناپذیر از منافع ملی هر کشوری را تشکیل می دهد؛ از این روست که منافع ملی به معنای «بهترین چیزها برای ملت در رابطه اش با سایر دولت ها تعریف شده است. . .

-استراتژی جهانی آمریکا

عبارتند از: (۱) حفظ برتری اقتصادی، نظامی، و تکنولوژیک، (۲) جهانی سازی و ابعاد اقتصادی و فرهنگی آن، و (۳) حفظ امنیت بین المللی در جهت مهارسازی سیاسی نظام های مختلف و تأمین منافع آمریکا. آمریکا هم چنین با سه نگرانی بزرگ مواجه است که کم و بیش سیاست های داخلی و خارجی این کشور را در سال های اخیر خلاصه می کند. این نگرانی ها عبارتند از (۱) آشوب و اغتشاش داخلی و خارجی علیه

۱- همان، ص 105

۲- مایکل، شیهان، ترجمه، دکتر سید جلال دهقانی، فیروز آبادی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال 1388 ص 88

۳- میثاق تاسیانی، «امنیت انرژی به معنای نفت خام ارزان نیست»، اقتصاد انرژی، شهریور و مهر 1383، شماره 63-64، ص 12-15

نظام آمریکا از جمله خرابکاری ها و عملیات تروریستی، (۲) ضعف ایمان و اطمینان در تصویر و انگاره سرمایه داری و امکان پیدایش یک مکتب جدید به عنوان یک «نظام آلترناتیو» در مقابله با آمریکا، و (۳) دسترسی نظام های دیگر به سلاح های هسته ای و پیشکسوتی دیگران در علوم، اطلاعات و تکنولوژی.

۷-سوابق تحقیق

کتابها و مقالات داخلی

(۱) نویسنده: جیمز گریفین: هنری استیل : ابعاد مسئله انرژی ترجمه: حسن تاش، سید غلامحسین مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی « فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸ - شماره ۱۳۹ و ۱۴۰) از صفحه ۱۶۲ تا ۱۸۵

2- در این مقاله به بررسی تحریم های اقتصادی، و آنرا ابزاری برای دستیابی به اهداف و مقاصد سیاسی معرفی میکند. پیشینه - کاربرد این ابزار بر پایه برخی مستندات به پیش از میلاد مسیح باز می گردد. تحریم های اقتصادی تا پیش از پایان جنگ بین الملل اول، مکملی برای اقدامات نظامی بود، ولی پس از آن، کشورهای عضو جامعه ملل، زیر تأثیر نتایج تحریم های برقرار شده در مورد کشورهای محور، توسل به سلاح اقتصادی را بعنوان ابزاری غیرنظامی در متن میثاق جامعه ملل گنجاندهند. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در زمستان ۱۹۷۹، ایالات متحده آمریکا تاکنون بارها این ابزار را در مورد ایران به کار برده که مهمترین آنها ASLI است، ولی تهدید به مجازات شرکت هایی که در طرح های توسعه ای حوزه های جدید نفتی ایران سرمایه گذاری کنند، باعث تشویق همپیمانان اروپایی آمریکا برای همکاری نزدیک در راستای سیاست های ایالات متحده بر ضد ایران نشد. وضع قانون تحریم، برخورد منافعی کشورهای دو سوی آتلانتیک را به سبب اعمال قوانین ایالات متحده در فراسوی مرزهای آن کشور تشدید کرد. محدودیت های ایجاد شده از سوی آمریکا برای ایران و لیبی (تا مدتی پیش برای عراق) با سیاست آمریکا برای تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی و افزایش عرضه جهانی نفت در تضاد است، زیرا تمایل آمریکا به تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی، به منظور کاهش خطر قطع شدن جریان انرژی از سوی گروه یا منطقه ای ویژه است. از سویی، با توجه به جهانی شدن اقتصاد و کاهش موانع موجود بر سر راه تجارت بین الملل، نرخ موفقیت تحریم ها بویژه هنگامی که یک جانبه وضع شده باشد، کاهش یافته است. تحریم ها، گذشته از اثر مستقیم بر اقتصاد کشور یا کشورهای هدف تحریم، اثراتی بر اقتصاد جهانی و حتی کشور تحریم کننده نیز داشته است. بنابراین ایالات متحده افزون بر ناخشونود ساختن همپیمانان خود، امنیت عرضه انرژی را با خطر روبه رو ساخته و خود نیز هزینه هایی به صورت کاهش صادرات و از دست دادن بازارهای پرسود و نیز امکان سرمایه گذاری در ذخایر سرشار این کشورها تحمّل کرده است.

(2): بهروزی فر، مرتضیه: کوبی، سامیه "تحریم های ایالات متحده: آزمون آزموده" مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی « آذر و دی ۱۳۸۵ - شماره ۲۳۱ و ۲۳۲) از صفحه ۱۲۶ تا ۱۴۳

3- دیپلماسی انرژی و لزوم استفاده از آن برای تأمین منافع ملی ایران در جهان: عنوان مقاله ای است از جواد کی پور و دکتر جهانبخش ایزدی که ابتدا به بررسی و تبیین دیپلماسی انرژی و سر فصل های آن می پردازد و پس از بررسی وضعیت آینده انرژی جهان و بازارهای آتی انرژی برای ایران، وضعیت دیپلماسی انرژی ایران را مورد توجه قرار داده و سپس راهکارهایی را برای دستیابی به یک حضور مؤثر در بازارهای جهانی انرژی ارائه می کند.

4- نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی: کتاب «نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی» نوشته قدیر نصری به مقوله امنیت در دو حیطه آسیب پذیری های داخلی و تهدیدات خارجی نگاه میکند و نگارنده خطر واقعی را حاصل ترکیب دو عامل مذکور میدانند. این کتاب شامل چهار بخش می باشد. در بخش اول مبانی معرفتی و مدلول های عینی گفتمان امنیت ملی تشریح می شود در بخش دوم مکانیسم عمل نفت در عرصه

امنیت داخلی طرح می شود. بخش سوم اختصاص به چرایی کارکرد ضد امنیتی نفت دارد و در بخش آخر به پیامدهای امنیتی عدم سرمایه گذاری مناسب در منابع نفت و گاز می پردازد.

5- دکتر مسعود غفاری در مقاله خود تحت «عنوان اقتصاد سیاسی نفت در ایران پس از انقلاب (۱۹۷۹-۱۹۸۸)»، مشکلات ایران را در رابطه با تولید و صدور نفت طی یک دوره ۱۰ ساله مورد بررسی قرار می دهد. نویسنده ابتدا به سیاست مدیران انقلاب در کاهش تولید و صادرات نفت اشاره می کند و معضلات اقتصادی - سیاسی کشور در نتیجه کاهش صادرات نفت، وقوع جنگ تحمیلی و جنگ نفت کشها تشریح مینماید. نامبرده با ارائه میزان نوسان تولیدات نفتی ایران در سالهای پس از انقلاب تا سال ۱۹۸۸ بدین نتیجه میرسد که یکی از اهداف رهبران انقلاب اسلامی این بود که از وابستگی شئون مختلف جامعه به نفت بکاهند. این مقاله به جهت اینکه اطلاعات مناسبی در ارتباط با نقش نفت در سیاست ارائه می دهد مورد توجه واقع شده است.

6- اقتصاد سیاسی و نفت» عنوان مقاله ای است که توسط هوشنگ امیراحمدی در سال ۱۹۹۴ به رشته تحریر درآمده و نویسنده با مطالعه و مقایسه توانایی انرژی کشورهای منطقه خلیج فارس، به تبیین چالش های پیش روی آنها می پردازد. باتوجه به اینکه مقاله مربوطه توانایی انرژی کشورهای حوزه خلیج فارس را مورد بررسی قرار میدهد از این جهت مورد توجه این پایان نامه بوده است .

مقالات خارجی:

۱- در این تحقیق در اول به اهمیت ژئوپلیتیکی خاورمیانه اشاره دارد و اهمیتی که این منطقه در آینده برای حفظ برتری آمریکا داراست به ویژه از رویکرد اقتصادی و اهمیتی که انرژی در چرخه رشد اقتصادی داراست کل ساختار تحقیق در جهت اثبات و شرح اهمیت اظهار جیمی کارتر (رئیس جمهور پیشین) در رابطه اهمیت خاورمیانه " هر نوع تلاش برای کنترل خلیج فارس از خارج به معنایی حمله به منافع ملی آمریکا است یک این چنین حمله ای باید جواب داده شود با هر ابزاری حتی با برخورد نظامی " که در تحقیق استدلال های زیادی برای این چنین اظهاری و منطقی بودن آن در اختیار خواننده قرار می دهد.

۲- این گزارشی از فرصت ها و تهدیدهای است که از رویکرد انرژی مورد توجه ایران است . که در شروع نویسنده با اشاره به اهمیت ایران در بازار جهانی انرژی معترف است . ولی بعد از برشمردن فرصت های که ایران از نظر انرژی داراست نویسنده به مجموعه تهدیدهای اشاره دارد که ایران در حال حاضر و آینده با آن ها روبرو است و خواهد شد . که این مسایل شامل وابستگی ایران به واردات بنزین و پارانه های که به این ها پرداخت می شود و وابستگی ایران به صادرات انرژی و تک محصولی بودن فرسوده بودن زیر ساخت های پالایشگاه و پایین بودن گنجایش تولیدی ایران به ویژه در میداین مشترک و مصرف بالایی داخلی و تحریم های آمریکا همه این خلاصه ای از تهدیدهای است که مور توجه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است .

۳- این مقاله بررسی میکند مجموعه شرایطی محیطی و اقتصادی تحریم های که آمریکا علیه ایران تصویب کرده از سال ۱۹۷۹ و توام با نتایجی که این تحریم در ابعاد مختلف داشته که شامل اقتصاد کلان ایران و در منطقه خاورمیانه و در داخل آمریکا که شامل مسدود کردن دارایی های ایران بعد از انقلاب و تحریم سرمایه گذاری در ایران و شرکت های نفتی و... و نقشی که لابی اسرائیل در این بین داشته است که محقق پس از برشمردن این تحریم به منفی بودن نتایج آن برای آمریکا اشاره دارد تحریم های بویژه در حوزه انرژی را نا کارآمد ترین تحریم معرفی می کند و از نظر نویسنده ابزار تحریم در سیاست خارجی کوتاه نظرانه است و بایست از راه های موثری دیگری استفاده گردد.

- 1-Daniel C. Diller, *The Middle East* (Washington D.C.: Congressional Quarterly, Inc., 1994),.
- 2-Cyrus Bina, " Petroleum and Energy Policy in Iran", *Economic & Political Weekly*, January 3, 2009
- 3-Sasan Fayazmanesh. *The Politics of the U.S. Economic Sanctions Against Iran, Review of Radical Political Economics* 2003 35: 221,

۸- روش تحقیق

تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی که بر پایه محور نظریه است. که در ابتدا یک توصیفی از سیاست های انرژی آمریکا و محدودیت های که به طور عملی بر امنیت اقتصادی و سیاسی ایران بنانهاده است پرداخت شده است. در مرحله بعد به صورت تحلیلی تاثیرات که از ناحیه سیاست های انرژی آمریکا که به طور مستقیم و غیر مستقیم بر امنیت جمهوری اسلامی ایران وارد است توجه شده و حرکت به سمت یافتن رابطه های علی و همبستگی بین سیاست های انرژی آمریکا و امنیت جمهوری اسلامی ایران از دغدغه های اصلی این تحقیق است.

۹- روش گردآوری اطلاعات و داده ها

بیشتر اطلاعات این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه ای از قبیل کتاب، مقاله، پایان نامه جمع آوری شده است و نیز آمار و اطلاعات جدید از طریق بانک های اطلاعاتی و منابع مجازی گردآوری شده است.

۱۰- سازماندهی تحقیق

این پژوهش مشتمل بر: فصل اول: کلیات فصل دوم: چارچوب تئوریک
فصل سوم: سیاستهای بین الملل انرژی آمریکا با فاکتورها صرف اقتصادی
فصل چهارم: سیاستهای بین الملل انرژی آمریکا با فاکتورها سیاسی
فصل پنجم: سیاست های بین الملل انرژی آمریکا و تاثیر آن بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران
فصل ششم: سیاستهای بین الملل انرژی آمریکا و تاثیرات مستقیم آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران
فصل هفتم: سیاستهای بین الملل انرژی آمریکا و تاثیرات غیر مستقیم آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران
و در پایان از مباحث مربوطه نتیجه گیری و ارائه راهکار.

فصل دوم: چهارچوب تئوریک

مقدمه:

در پژوهش ما چهارچوب تئوری مدنظر خواهد بود که دارایی توانایی پوشش نظری سیاست های بین المللی انرژی آمریکا و استراتژی های اقتصادی و سیاسی آمریکا در رابطه انرژی را داشته باشد. تفوق و سلطه قدرت آمریکا امروزه در تاریخ مدرن بی سابقه است. ما در جهان دارای یک ابرقدرت به سر می بریم که در برابر آن هیچ رقیب همه جانبه ای دیده نمی شود. سایر کشورها هر یک از برخی جهات با آمریکا رقابت می ورزند، اما ویژگی های چند جانبه بودن قدرت آمریکا، آن را چنین سلطه جو، تأثیر گذار و تحریک کننده می نماید چنانچه فروپاشی ناگهانی اتحاد شوروی، سقوط ایدئولوژی های رقیب و بازسازی موفقیت آمیز اقتصاد آمریکا، همگی جنبه های نامتقارن قدرت این کشور را در دهه ۹۰ میلادی تقویت نموده اند. سیاست های تهاجمی آمریکا مسائل مهمی را، از جنبه نظری و سیاست گذاری مطرح می نماید. نظریات روابط بین الملل، دیدگاههای بسیار متفاوتی را درباره ویژگی ها و عرصه عملی چنین قدرت خارق العاده ای را مطرح می سازند. طی جنگ سرد، نظریه پردازان واقع گرا و لیبرال، هر دو الگوهای نظام های مشابهی را در دموکراسی های صنعتی غرب مشاهده می کردند. اما پایان تهدید جنگ سرد - همراه با تقویت قدرت آمریکا در دوران اخیر - تئوری های سابق را وادار نمود تا پیامدهای کاملاً متفاوتی را در نظر بگیرند. مطلبی که در این شرایط متحول کاملاً واضح به نظر می رسد، نظریه واقع گرایانه توازن قواست. این نظریه، برآورده ترین و پرسابقه ترین تئوری نظام بین الملل می باشد و بیان می دارد که نظام موجود، حاصل توازن ایجاد شده توسط دولت های تحت شرایط آناشرشی برای مقابله با تمرکز قدرت است. از این دیدگاه، سیاست های تهاجمی آمریکا قابل استمرار نیست، زیرا برای سایر کشورها تهدیدی به شمار می رود و واکنش های متوازن کننده، غیرقابل اجتناب است. اگر گذشته راهنمای ماست، برتری آمریکا مقاومت فزاینده ای را بوجود خواهد آورد. در واقع مقاومت وجود دارد و ممکن است رشد یابد. اما جالب است که به رغم جابه جایی های شدید در توزیع قدرت، سایر قدرت های بزرگ هنوز به شیوه ای که طبق تئوری توازن قوا پیش بینی شده، واکنش نشان نداده اند. با وجود از میان رفتن تهدید شوروی، مشکل است که بتوان تصور کرد اتحاد و انسجام میان آمریکا و شرکای اروپایی و آسیایی آن به طور جدی مختل گردد. اخیراً هم ناتو، و هم اتحاد میان آمریکا و ژاپن مجدداً مورد تاکید قرار گرفته و پیوند های خویش را مستحکم تر ساخته است. همچنین حوزه های همکاری وسیع تری از نظر اقتصادی و سیاسی ایجاد شده. با توجه به این مقدمه ما باید به دنبال نظریه جدیدی باشیم که قابلیت تبیین وضع موجود را داشته باشد. این که چرا آمریکا هنوز قدرت برتر است و توازن به آن شکلی که والتز اعتقاد دارد شکل نگرفته است.

در صورتیکه مجموعه رفتارها و سیاستهای انرژی آمریکا مورد بررسی قرار گیرد می توان یک رشته استراتژی ها و سیاستهای کلان آمریکارا در زمینه مسائل انرژی مورد شناسایی قرار داد. این استراتژی با فاکتورهای اقتصادی هم به مهمترین مناطق نفت خیز یعنی خاورمیانه مرتبط می شود و هم ابعاد مختلف سیاست های ایالات متحده در زمینه انرژی

را در بر می گیرد. فرآیند تدوین سیاست بین المللی انرژی و سپس استراتژی امنیت ملی ایران، حداقل از دو جنبه، پیوندی ناگسستنی با ضروریات و الزامات طراحی و تدوین سیاست ملی انرژی جمهوری اسلامی ایران دارد. جنبه اول این که، آمریکا بزرگترین و تأثیرگذارترین بازیگر عرصه جهانی انرژی به ویژه در حوزه نفت است. این کشور ضمن این که بزرگترین مصرف کننده نفت جهان محسوب می شود، از طریق بکارگیری اهرم های قدرت خود، نقش اساسی در هدایت و سامان دهی نظام جهانی نفت به گونه ای که تأمین کننده منافع ملی اش باشد، ایفا می کند. از جنبه دوم، عرصه اصلی بکارگیری اهرم های قدرت و سیاست ملی انرژی آمریکا به ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، منطقه خلیج فارس بوده است. به عبارت دیگر، منطقه خلیج فارس اولین محیط بین المللی است که جمهوری اسلامی ایران در حوزه انرژی با آن برخورد می کند و در این منطقه با مهم ترین سیاست انرژی که مواجه می شود، سیاست بین الهی انرژی آمریکا است که در قالب استراتژی امنیت ملی این کشور، بر منطقه تحمیل می شود. آمریکا با داشتن ۱۴ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی بیش از ۴/۵ درصد به عنوان بزرگترین اقتصاد ملی جهان شناخته می شود، انرژی عامل حیات اقتصاد مدرن بخصوص اقتصاد ایالات متحده می باشد. چرا که سبب تقویت صنایع، گرم و سرد شدن منازل و جابه جایی مردم و کالاها می شود.

با توجه به این مقدمه نظریه که باید توانایی سازماندهی این سیاستها را داشته باشد و در کنار آن ما با توسل به نظریه بتوانیم این سیاستها از چهارچوب یک نوشته تو صیفی صرف بیرون آورده و با کمک نظریه بتوانیم یک شکل علمی به آن داده از علت های است که در این پایان نامه سعی بر آن شده که حساسیت بالایی در انتخاب نظریه داشته باشیم هر چند که به عقیده والتز هر واقعیت قابلیت حمل نظریه ای مختلف را دارد و این شاید بیشتر به این جهت باشد که ما می توانیم از جنبه های مختلف به یک واقعیت نگاه داشته باشیم و در این صورت به خاطر ملازمات هر نظریه ما باید در جمع آوری دیتا (data) باید با توجه به قابلیت ها نظریه عمل کنیم و این شاید اجازه به ما ندهد که فی البداهه با توجه به نظریه تصادفی داده های خود را سازماندهی کنیم چون در این صورت ما باید فقط به دنبال داده ها باشیم که در چهارچوب نظریه ما اجازه داده می شود و این هم از دلایل است که ما سعی نموده ایم تا بالا ترین دقت و مطالعه را در انتخاب چهارچوب نظریه داشته باشیم که بتواند قابلیت بالا در پوشش داده های ما را داشته باشند. در اول یک بحثی در رابطه نظریه ارائه می دهیم و بعد به ابعاد نظریه که برای سازماندهی تحقیق انتخاب شده به صورت تام پرداخت خواهد شد.

والتز نظریه را برای درک رویدادها و رفتارهای بین المللی ضروری می داند و به نظر او نظریه به مثابه ساختمان ذهنی است که طی آن ما واقعیات را انتخاب، دست چین و سپس به تفسیر آن مبادرت می کنیم به نظر او عدم استفاده از نظریه باعث می شود رفتارهای گوناگون به صورت پراکنده مطرح شده، اطلاعات اندکی در مورد واقعیات در اختیار ما بگذارد^{۱۱} همچنین "والتز" بر این اعتقاد است که باید میان نظریه و قانون، تفکیک قائل شد قوانین و عباراتی چون (آب

۱۱ - قوام، سید عبدالعلی، روابط بین الملل نظریه ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴ ص ۸۶

در صد درجه به جوش می آید) حاکی از وجود رابطه ثابت یا احتمالی میان پدیده ها هستند و می توانند غلط یا درست باشند « به دلیل ارتباط میان آن ها و واقعیت، می توان آن ها را به آزمون تجربی کشید. اما نظریه ها، مجموعه ای از قوانین نیستند، بلکه عباراتی اند که آن قوانین را تبیین می کنند. به نظر او، نظریه نمی تواند هر چیزی را در مورد واقعیت بگوید ولی واقعیت، تحمل نظریه های مختلفی را می تواند داشته باشد. نظریه، برساخته ای است که به انجام عملیاتی بر داده های مشاهده شده، محدود نمی شود..

میلتون فریدمن اقتصاددان معتقد است که بهترین نظریه ها بر مفروضاتی مبتنی هستند که تصاویری وسیعاً مخدوش از واقعیت ارائه می دهند و در کل نظریه هرچه پراهمیت تر، انگاره ها و مفروضات آن غیرواقع بینانه تر. ^[11] طبق این دیدگاه مهمترین مسئله در یک نظریه قدرت توضیح آن است. اگر فرضیات غیرواقع بینانه، نظریه ای ارائه دهند که ما را با حقایق هستی و نحوه عملکرد جهان آشنا کند، دیگر اهمیتی ندارد که انگاره های بنیادین آن واقع بینانه هستند یا خیر. اما از نظر میرشایمر **قدرت توضیح** اصلی ترین معیار ارزیابی یک نظریه است. اما در عین حال، معتقد که نظریه ای که بر مفروضات غیرواقع بینانه یا غلط مبتنی است، نمی تواند در مورد حقایق جهان و نحوه عملکرد آن توضیح چندان دقیقی ارائه دهد. ^[12] هیچ کدام از ما نمی توانیم بدون استفاده از نظریه، جهانی را که در آن زندگی می کنیم بشناسیم و تصمیم های هوشمندانه اتخاذ نماییم.

رنالیسم تهاجمی:

رنالیسم تهاجمی شاخه ای از رنالیسم است که مانند رنالیسم کلاسیک مفروضه های چون قدرت، امنیت، دولت، آنارشی و قدرتهای بزرگ مولفه های اصلی آن را تشکیل می دهد. بر خلاف دیگر مکاتب فکری در حوزه نقد بررسی روابط و سیاستهای بین المللی، که هر یک با چهره های معروف و مشخصی بیان شده اند این مکتب کمتر از ویژگی های مزبور برخوردار است. به عبارت دیگر تعداد اندکی از دانشمندان به تبیین و چهارچوب بندی تئوریک رنالیسم تهاجمی پرداخته اند. این مکتب بر خلاف انشعابات دیگر رنالیسم تا زمان حاضر مرجع شناخته شده ای برای خود نداشت. مثلاً برای اندیشمندان حوزه روابط بین الملل، مکتب رنالیسم فطری با کتاب معروف هانس جی مورگنتا با نام کتاب سیاست میان ملت ها و مکتب رنالیسم ساختاری با کتاب معروف کنت والتز با نام نظریه سیاست های بین الملل شناخته می شوند؛ ویژگی های که درباره رنالیسم تهاجمی دیده نمی شود. به جز برخی از دانشمندان سیاست های بین الملل مانند لووس دیکسون ^[13] که به صورت مختصر و محدود به بیان برخی از اندیشه های و آموزه های رنالیسم تهاجمی پرداخته است که تنها مرشایمر آموزه های رنالیسم تهاجمی را در چهارچوب تئوریک و سیستماتیک معرفی کرده است که باعث شده تا او در رنالیسم کنونی، به عنوان پیشرو مکتب رنالیسم تهاجمی شهرت یابد. در واقع وی با کتاب معروف خود به نام سیاست بین الملل: تراژدی قدرت هایی بزرگ این مکتب را تبیین کرده است. ساموئل هانتینگتون در مورد کتاب او می گوید: جان مرشایمر با ارائه شواهد فراوان و منطق پیچیده ای می کوشد تا به تبیین کامل تئوری رنالیسم تهاجمی پردازد: کنت

¹¹ - جان میرشایمر، تراژدی سیاست قدرت های بزرگ؛ ترجمه: دکتر غلامعلی چگینی زاده، تهران: انتشارات وزارت خارجه، ص 38
¹² - همان، ص 39-40

¹³ Lowes Dickinson

والتر - پدر رئالیسم ساختاری - نیز عنوان کرده است که میرشایمر (پرسشهای مشکل و مهمی را مطرح می کند و به آنها پاسخ های مستند و محکمی می دهد وی در کتاب خود مستندات جذابی از نحوه رفتار قدرت های بزرگ و تفسیر قدرتمندانه از چرایی رفتار آنان فراهم آورد هاست از این رو کتاب او اثر حتمی و قطعی درباره رئالیسم تهاجمی می باشد .

رئالیسم تهاجمی به پیروی از دیگر گرایش های فکری خود را بر اساس آموزه ها و مفروضه ها رئالیستی بنیان نهاده است . رئالیسم تهاجمی معتقدند مبارزه برای قدرت اولین گام برای پانهادن در عرصه ای می باشد که هر یک از کشورها در صددند تا قویترین بازیگر نظام بین الملل باشند و مترصد فرصتهایی هستند، که قدرت خود را در برابر دیگر رقبا افزایش دهند. از این رو رئالیسم تهاجمی نیز با شناسایی دولتها به عنوان بازیگر اصلی روابط بین الملل بر این باور تاکید می ورزد که قدرتهای بزرگ با شکل دهی سیاست بین الملل، دارای برونادهایی با بیشترین تاثیرگذاری بر سیستم بین المللی می باشند. ()

میرشایمر از پیشگامان انشعاب تئوری های کلاسیک رئالیستی به رئالیسم تهاجمی است. نوآوری میرشایمر در تئوری بازسازی تبیین نظریه ساختاری والتر توام با انحراف از نقطه ساختاری و عزیمت به تبیین صرف مقدار تجاوز بین المللی است، که این با توجه به چهارچوب نظریه تدافعی والتر احتمال یکی دانستن این هارا سخت نموده است. با توجه به این نوآوری که میرشایمر داشته هم می توان از آن به عنوان مکمل برای تئوری والتزیاد نمود و هم این نظریه قابلیت این را دارد که به برخی سوالات که در پهنه سیاسی جواب قانع کننده ای را تا به حال نداشته اند جواب دهد: که به عنوان مثال سوالاتی شامل: چرا تراژدی و تجاوز گری که در راهبردهای کشورهای وجود دارد به عنوان یک پاسخ عقلایی در سیستم بین الملل محسوب می شود؟ و از طرف دیگر میرشایمر یک نگاه نو در رابطه با نقش قدرت و جغرافیا در دنیایی سیاست باز نموده است.

واقع گری تهاجمی ساختاری است که برخلاف نظریات کلاسیک مورگنتا رقابت های امنیتی میان قدرت های بزرگ را در محیط آنارشیک بین الملل بر طبق طبیعت بشر نمی داند . بر اساس تئوری های واقع گرایی تهاجمی دولت به یک میزان خاص از قدرت قانع و راضی نیستند بلکه برای کسب امنیت حقیقی همیشه به دنبال افزایش قدرت خود بوده و قصد دارند تبدیل به یک هژمونی قدرتمند شوند. جواب او به اینکه : برای حفظ امنیت امروز و فردای کشور چه میزان از قدرت کافی است؟ قدرت های بزرگ دریافته اند که بهترین راه برای بیمه کردن امنیتشان رسیدن به هژمونی است. تنها دولتی هایی که با یک روش نامناسب مدیریت می شوند ممکن است فرصت تبدیل شدن به یک هژمونی را در سیستم بین المللی از دست بدهند زیرا آن دولت ها تصور می کنند که قدرت کافی برای ماندن و بقا را در سیستم بین المللی دارا هستند. بر اساس عقیده میرشایمر : یک قدرت بزرگ که از یک توان قابل ملاحظه ای سود و بهره می برد باید در قبال سایر

١٠ --سید عباس حسینی لائینی، "پیامدهای هژمونی طلبی و یک جانبه گرایی امریکا در عراق"، فصلنامه راهبرد، شماره ی 37، پاییز 1384، صص 159

رقبا بسیار تهاجمی عمل کند چرا که در فضای موجود سایر رقبا همین کار را انجام می دهند. وی نظریه صرح دموکراتیک را رد می کند و معتقد است دموکراسی و خصوصاً لیبرال دموکراسی نمی تواند از بروز جنگ جلوگیری کند. او معتقد است که یک دولت نمی تواند تبدیل به یک هژمونی جهانی شود. به عقیده وی دولت ها به دنبال تبدیل شدن به یک هژمون منطقه ای هستند او این نکته را هم اضافه می کند دولت های قدرتمند از این که دیگر دولت ها تبدیل به هژمون منطقه ای شوند جلوگیری می کنند و سعی می کنند در امور دیگر مداخله کنند. دولت هایی مانند آمریکا تنها باید مانند موج شکن های ساحل واسکله برای بالانس اوضاع مداخله کننده .

در این رابطه جان مرشایمر، تعیین سرنوشت تمامی دولت ها اعم از قدرت های بزرگ و کوچک را اساساً " از طریق تصمیمات و اقدامات دولتهایی می داند که بیشترین توانایی را داشته باشند. از دید وی سیاستهای بین المللی قدرت های بزرگ بر مبنای توانایی نظامی تعیین می شود که همواره احتمال وقوع جنگ وجود داشته باشد و هیچ گاه این احتمال به میزان قابل توجهی کاهش نمی یابد و فقط قدرت است که می تواند از خطر افزایش احتمال وقوع جنگ توسط رقیب جلوگیری نماید و در صورت وقوع، مانع شکست در جنگ شود. ()

مفهوم قدرت از دیدگاه میر شایمر

مبانی مادی قدرت

رنالیسم تهاجمی به پیروی از دیگر گرایش های فکری خود را بر اساس آموزه ها و مفروضه ها رئالیستی بنیان نهاده است. پیروان این مکتب ضمن اینکه در چهار چوب های رئالیستی، دولت ها را به عنوان بازیگران اصلی صحنه روابط بین الملل به رسمیت می شناسند، بر این باورند که این قدرت های بزرگ هستند که این سیاست های بین الملل را شکل می دهند و در تاثیر گذاری بر سیستم بین الملل را شکل می دهند و در تاثیر گذاری بر سیستم بین المللی، برون دادها قدرت های بزرگ تعیین کننده هستند. () جان مرشایمر در تئوری خود، در توصیف قدرت های بزرگ شرایط مختلفی گفته است. اما مرشایمر در تبیین مفهوم قدرت های بزرگ بسیار بر مولفه توانایی نظامی تاکید کرده است. به اعتقاد وی سیاست های بین المللی قدرت های بزرگ به طور بنیادین، بر مبنای تواناییهای نظامی ایشان تعیین می شود. شرایط کافی برای آنکه دولتی یک قدرت بزرگ محسوب بشود، میزان کافی تجهیزات نظامی برای آغاز مبارزهای جدی در مقیاس یک جنگ تمام عیار و کاملاً غیر متعارف علیه قدرتمندترین دولت جهان است ()

مرشایمر خوش بینی های غالب درباره روابط بین قدرت های بزرگ را به چالش می طلبد و ضمن تاکید بر رفتار قدرت

¹⁵ offshore balancer

- روح الله کامل، "مقدمه ای بر رئالیسم تهاجمی"، گزارشهای تحلیلی نظامی - راهبردی، سال 4، شماره 38، شهریور 1382، ص 5.

17 - Randall L. Schweller. "Neorealism's Status Quo Bias: What Security Dilemma". Security Studies. Vol 5. No 3. Spring 1996. p 90 - 121

جان مرشایمر، پیشین، ص 4-5

های بزرگ این نکته را مد نظر دارند که قدرت های بزرگ در سیاست بین الملل به دنبال فرصت های هستند تا قدرت خود را در برابر دیگر رقبای خود به حداکثر برسانند و او در تبیین مفهوم قدرت معتقد است که از نظر رئالیست ها، محاسبه قدرت عمیقاً، با طرز فکر دولت ها ارتباط می یابد. قدرت در سیاست به منزله ارز در اقتصاد است و دولت ها بر سر آن با یکدیگر به رقابت برمی خیزند. به همان میزان که پول در حوزه اقتصاد اهمیت دارد، قدرت هم در حوزه سیاست بین الملل دارایی اهمیت است (21)

قدرت را در اساسی ترین سطح آن می توان به دو شیوه تعریف نمود. قدرت از نظر میرشایمر شامل سرمایه ها و منابع مادی ویژه ای است که در اختیار یک دولت قرار دارد. با توجه به اینکه، اگر دیگران قدرت را با در نظر گرفتن نتایج میان کنش های دولت ها تعریف می کنند. از نظر آنها قدرت عبارت است از توانایی کنترل یا تأثیر گذاری بر دیگر دولت ها. پس قدرت عبارت است از توانایی یک دولت در وادار کردن دیگر دولت ها به انجام کاری. یکی از طرفداران برجسته این نظریه، عقیده دارد «الف زمانی بر ب اعمال قدرت می کند که بتواند ب را به انجام کاری وادار کند که بدون این اجبار آن را انجام نمی داد»، بر اساس این منطق، قدرت تنها زمانی وجود دارد که یک دولت کنترل یا نفوذ خود را اعمال کند و بنابراین، تنها پس از ظاهر شدن اثر و نتیجه ای از آن، می توان به ارزیابی و محاسبه اش پرداخت. به عبارت ساده، قدرتمندترین دولت، دولتی است که در یک منازعه غلبه یابد. مرشایمر معتقد است، دولت های بزرگ بیش از هر چیز بدنبال امنیت هستند، و بدین منظور، نخست در پی دست یافتن به هژمونی منطقه ای و سپس در صورت امکان به هژمونی جهانی هستند. امنیت مطلق تنها زمانی قابل دستیابی است که یک قدرت دارای تفوق کامل بر دیگر دولت ها بوده، تهدید بالقوه آنها را بر طرف سازد. (22)

در نظر اول، ممکن است تفاوت فاحشی میان این دو تعریف وجود نداشته باشد. گذشته از همه اینها هنگامی که دو قدرت بزرگ با یکدیگر به جنگ می پردازند آیا انتظار نمی رود دولتی که دارای قابلیت های مادی بیشتری است، پیروز شود بیشتر بر این اعتقادند که در جنگ، دولتی که منابع بیشتری در اختیار دارد باید همیشه پیروز میدان باشد؛ در واقع، موازنه قوا باید بتواند به نحوی از عهده پیش بینی نتیجه جنگ و اینکه کدام طرف پیروز است بر آید. طرفه اینکه انبوهی از مطالعات کمی وجود دارد که با بکارگیری معیارهای متفاوت، قدرت را ارزیابی کرده و تلاش می کنند از این طریق نتیجه منازعه های میان دولتی را محاسبه کنند. جفری بلینی²¹ در بحث مشهور خود این مطلب را مورد تأیید قرار می دهد، او عقیده دارد «جنگ زمانی اتفاق می افتد که دولت ها نتوانند در مورد موازنه قوا به توافق برسند، سپس جنگ در ادامه خود پلکان منظمی از قدرت تأسیس می کند که برنده ها و بازنده ها به نسبت میزان قدرتشان روی آن جای می گیرند» بلینی بر آن است که اگر دولت های رقیب موازنه قوای موجود را موازنه ای درست تشخیص دهند دیگر جنگی اتفاق نخواهد افتاد. در این حالت، هر دو طرف نتیجه را پیشاپیش می دانند و انگیزه می یابند تا برای ایجاد یک توافق صلح آمیز

²¹ - همان صص 13-14

²² - حسین سلیمی، "دولت مجازی یا واقع گرایی تهاجمی: بررسی مقایسه ای نظریه ریچارد روزکرانس و جان مرشایمر"، مجله پژوهشی حقوق و سیاست، سال 7، شماره 17، پاییز و زمستان 1384، ص 25

21. Geoffrey Blainey